



۵

## نسخه «دودکش ۲» برای خنده



## بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی در رادیو گفت وگو

۶

## تسلیت معاون امور استان های رسانه ملی برای درگذشت مدیرکل مرکز سمنان

## رسانه

شنبه ۱۶ مرداد ۱۴۰۴ :: شماره ۶۰۰۴



بینید و بشنوید

شبکه دو	
۱۳:۳۰	زشت و زیبا
۱۳:۵۰	نیم زندگی
۱۵:۴۰	با هم برای هم
۲۰	میخچه
۲۱	در انتهای الوند
۲۱:۳۰	سریال زندگی زیباست؛ شخصیت های اصلی این مجموعه را بازیگران جوانی که همگی سابقه تئاتری دارند بازی می کنند. نقش های اصلی بر عهده شهرزاد جعفری، حمید رشید، یاسمین خلدبرین، ستایش رجایی نیا، آزاده سیفی، رامین جعفری، علیرضا رسولی، سارا مقربی، سجاد بابایی و سعید زارعی است. علاوه بر آنها ژیا قاسمی، نیما رئیس، رسول نجفیان، بیژن بنفشه خواه و اردلان شجاع کاوه نیز در این مجموعه حضور دارند.

شبکه چهار	
۱۲:۴۵	طرح قرآنی ۱۴۵۵
۱۵:۳۰	کودک دل
۱۹	پایان ناپاروری
۲۲	چهارسوی علم
۲۳	پندار

شبکه پنج	
۸	سلام تهران
۱۰:۰۵	دستخط
۱۴:۰۵	شهر برگ
۱۸:۱۵	در شهر
۲۰:۰۵	تهران ۲۰
۲۲	شب فیروزه ای

شبکه نسیم	
۱۳	ساختمان پزشکان
۱۹	هوش برتر
۲۰:۰۵	کارستون
۲۱	حالا برعکس
۲۱:۳۰	دست انداز
۲۲:۳۰	شکرستان
۲۳	دورهمی

شبکه آی فیلم	
۱۶	عطر گل یاس
۱۷	گمشدگان
۱۸	چاردیواری
۲۰	شوق پرواز
۲۱	پایتخت ۶
۲۲	همه چیز آجاست

شبکه آموزش	
۱۰:۳۵	مدرسه تلویزیونی / متوسطه
۱۲	مدرسه تلویزیونی / ابتدایی
۱۵:۰۵	خانه کوچک
۱۸:۰۵	قلم و بیان
۱۹:۱۵	رویش
۲۱	دانستنی ها

شبکه های رادیویی	
۸:۴۰	رادیو اقتصاد / صدای تولید
۱۱:۱۵	رادیو ایران / ره آورد
۱۲	رادیو تهران / گفتاورد
۱۵	رادیو جوان / کافه رادیو
۱۶:۰۵	رادیو سلامت / مسابقه هرم طلایی
۱۸	رادیو صبا / بیست شو
۲۰:۰۵	رادیو معارف / بر آستان بندگی
۲۱	رادیو فرهنگ / سینمای فرهنگ
۲۲	رادیو قرآن / سروش هدایت
۲۲	رادیو گفت وگو / انعکاس
۲۲:۳۰	رادیو نمایش / شب آرام
۲۳	رادیو ورزش / پنجراهی رو به شب

## نسخه «دودکش ۲» برای خنده

پخش سریال «دودکش ۲» در مقطعی صورت گرفته که آتن از حیث تولیدات

کمدی دچار کمبود بود. این مجموعه براساس رسالتی که آثار کمدی در پرداخت به موضوعات مختلف دارد، توانسته تا حدودی با پابندی به شالوده آثار کمدی و با توجه به ملاحظات که در طرح مسائل وجود دارد قصه خود را پیش ببرد و با خلق فضایی شاد توأم با خنده، وجوه تفکربرانگیز و اصلاحگری را نیز در زیر لایه هایش مدنظر قرار دهد.

شخصیت فیروز مشتاق (هومن برقنورد) در رأس هرم شخصیت های متعدد دودکش ۲، خواه ناخواه موظف شده بخش عمده ای از مسؤولیت هایی که برشمرده شد را بیان کند. انتقادات ریز و درشت فیروز به نگرانی های خانواده های ایرانی از تأمین معاش گرفته تا فشار افزایش تورم و نیز دغدغه هایش در مراقبت از فرزندان و البته حمایت جانانه از دیگر نزدیکانش، بستر مهمی برای طرح بخش هایی از مطالبات مردم است.

در این مسیر او دردهای اجتماع را به هر بهانه ای و با هر شگردی پیش می کشد. هرچند تلاش شده تا اهرم طنز، حساسیت های این جنس از نقد را تلطیف کند. ضمن این که برقنورد نیز با جنسی از بازی پراکت و بیان پرچم و نیز داد و بیدادهای کمیک که

در تقابل با برداش پهبوز (امیرحسین رستمی) یا ابراهدر همسرش نصرت (بهنام تشکر) آیش از پیش نمود پیدا می کند، در عین نمایش آنچه طراحی شده، به نوعی حساسیت زدایی نیز دست زده باشد. نصرت در نقطه مقابل پهبوز نیز نمادی از فرصت طلبی و بی مسؤولیتی

در میان اقشار جامعه است. گونه ای آینه تمام نمایه تأکید می کند این شیوه رفتاری چه تبعاتی را برای فرد و اطرافیانش دارد و با وجود مایه های کمدی چطور می تواند زیانبار شود. نصرت ضمنا با توجه به صرف قسمتی از سرمایه خانواده برای خرید فالونر در اینستاگرام، شخصیت تعریف شده که هم جنبه درآمدزایی فضای مجازی را منکر نمی شود و هم به این دست اقدامات غیرمتعهدانه و سبکسرانه، نقد جدی وارد می کند و عواقبش را هشدار می دهد. به قول قطب الدین

صادقی، «جامعه از طریق خنده ما را تنبیه می کند تا گنج و سر به هوا نباشیم و به ما یادآوری می کند با جمع زندگی و با جمع خود را هماهنگ کنیم و در زندگی تعادل داشته باشیم». اینجا هم شاهدیم اغلب خنده های زنانه و گاه پوزخندهای فیروز، چنین کارکردی دارند؛ یا این وصف به نظر تلاش شده

مناسبات کاراکترها در «دودکش ۲» چندان متأثر از خط قصه اصلی نباشد. هرچند بهتری می بود این شیوه انتخاب قصه ای واحد به موازات خرده قصه ها و داستانک های کاراکترها پرورش بهتری یابد و سریال را به کلیتی یکدست برساند که ببینده فرجام این فصل را مشاهده و درک کند. در حالت فعلی، گویی هر قسمت در نهایت به پایان می رسد و ضرورتی به پیگیری قسمت بعد از حیث پیگیری روایی وجود ندارد. در واقع این کمدی موقعیت است که جای خالی قصه پردازی شب به شب را گرفته و درام را تا حدی استحکام بخشیده است.



یادبودی برای ارش اقدسی در گفت وگو با دوستان و همکارانش

## آرامش یک زندگی پر شور

برایتان جالب باشد که بدانید اقدسی در طول زندگی اش با سه ترس خود یعنی سرعت، تاریکی و ارتفاع همراه شدو به قول خودش با آنها ارتباط برقرار کرد. نتیجه آن هم شکل گرفتن کارنامه بلندلایی بود که در جریان همکاری اش با کارگردانان مختلف ایرانی و بین المللی رقم خورد. اما حیف که این داستان ادامه پیدا نکرد و او ۱۳ مرداد در ۳۹ سالگی زمانی که سر صحنه یکی از کارهایش در بیروت بود، قصه اش را تا اتمام گذاشت. در ادامه ما با برخی از دوستان او گپ و گفتی داشتیم و از ارش اقدسی گفتیم و شنیدیم.

### از ارشاذرخواهی می کنم

بود و وقتی او را می دیدم کاملا انرژی می گرفتم. ضمن این که باعث می شد کنارش احساس آرامش و هیجان توانان داشته باشیم. سخت است فردی این دو حس را کنار هم داشته باشد، ولی ارشاذر آرامش می داد و هم کنار او بودن هیجان خاصی به دیگران منتقل می کرد. می خواهم در همین نوشته روزنامه جام جم از ارشاذرخواهی کنم. زیرا وقتی من به خاطر جراحی در بیمارستان بودم، مرتب پیگیر حالم بود و در تماس بودیم. آخرین پیام او را جواب ندادم و گفتم سر صبر با او صحبت می کنم و حالا ناراحتم که چرا آخرین پیام او را بی جواب گذاشتم. به همین دلیل می خواهم از همین جا از اوذرخواهی کنم.

**سپند امیرسلیمانی، بازیگر**  
در این که ارشاد بسیار مهربان و پرنرژی بود، هیچ تردیدی نیست و مطمئن هستم همه درباره این ویژگی های او زیاد صحبت کردند، به همین دلیل می خواهم از دیگر خصوصیات او بگویم. ارشاد هوش بسیار عجیبی داشت. به یاد دارم در مسابقه شوتبال حضور داشتیم. با این که اولین بار بود با فضای این مسابقه آشنا می شد اما خیلی سریع قلق مسابقه دستش آمد و به بهترین شکل من را از دور خارج کرد. این در حالی بود که من مدعی فوتبال بودم و فکر می کردم از ارشاد می برم اما دقیقا برعکس شد. ارشاد واقعا تواضع عجیبی در کارهایش داشت. نمی خواهم بگویم او زمینی نبود اما بسیار خاص

«پراز زندگی بود» این جمله ای است که همه دوستان و اطرافیان ارشاد خان اقدسی از آن می گویند، جمله ای که حتی خیلی به گفتن هم نیاز ندارد و می شد آن را از چشم هایش و کارهایی که هر کدام را با عشق انجام می داد، خواند. البته نمی شود بدلکار باشی و به مرگ فکر نکنی اما این مرگ اندیشی هم برای او عین زندگی بود و به خانواده اش هم سپرده بود که بعد از رفتنش اعضایش را اهدا کنند. شاید

فاطمه عودباشی  
فاطمه عودباشی  
رسانه

### جنس غم رفتن او با بقیه فرق داشت

خطرناکی می کرد و ما مدام می گفتیم تو چطور نمی ترسی یا مثلا این کاریسک بالایی دارد. اما او همیشه برای ما توضیح می داد همه جوانب را سنجیده ام. اصلا یکی از ویژگی های شخصیتی او بود که هیچ کاری را شوی و سوسری نمی گرفت و برای هر کاری فکر و ایده داشت. خیر فوت و رفتن او بسیار غم انگیز بود تا جایی که می توانم بگویم در این یکی دو سال اخیر ما هنرمندان و چهره های زیادی که مردم با آنها خاطرات زیادی داشتند و رفتن شان غمگین مان می کرد مثل علی انصاریان و ... را از دست دادیم اما غم ارشاد اقدسی جنس متفاوتی داشت و خیلی برای من سنجین بود. امیدوار هستم روح او همیشه در آرامش باشد.

### شاهین جمشیدی، مجری

یکی از ویژگی هایی که در بین دوستان ارشاد اقدسی مشترکا قابل بیان است، پرنرزی و پراز شور زندگی بودن ارشاد بود. او پراز انرژی و هیجان بود که دوست داشت در چالش های مختلفی که برای خودش تعریف می کند همیشه پیروز باشد. او در زندگی شخصی و ارتباطات دوستانه اش بسیار عمیق و اهل مطالعه بود و دوست داشت چیزهای جدید را ببیند و یاد بگیرد. اگر بخوایم باز هم از او بگویم باید گفت او فردی بود که واقعا کم فروشی نمی کرد، جربانی که هم در ارتباطات دوستانه و بین رفقایاش وجود داشت و هم در کارش. او همیشه تلاش می کرد بهترین باشد و همه جوانب را بسنجد به همین دلیل کارهای

### شاهد یکی از آخرین بدلکاری های ارشاد بودم

### حامد آهنگی، مجری و کم دین

او بود چرا که با او همیشه حال آدم خوب بود و هیچ وقت انرژی منفی نداشت. در این برنامه او قرار بود با آتش وارد شود آن هم در حالی که همه بدنش آتش گرفته بود. این اتفاق افتاد و آنقدر این آتش شدت گرفت که نزدیک بود آتش به سقف بزند و آنقدر دود و بوی سوختگی در استودیو پیچید که ناچار شدیم برنامه را تعطیل کنیم و او آنقدر برای همین ورود مایه گذاشته بود که حد ندارد و باعث شد در دو قسمت برنامه او را ضبط کنیم. این یکی از آخرین بدلکاری های ارشاد بود که افتخار داد و آن را در این برنامه اجرا کرد و خاطره بسیار زیبایی را برای همه ما ساخت. امیدوارم روح او شاد باشد که قطعا همین طور است و حالش از همه ما در این شرایط بهتر است.



**علیرام نورایی، بازیگر**  
ابتدا به جامعه هنری و سینما بابت از دست دادن یک پتانسیل و مهره ارزشمند و حرفه ای تسلیت می گویم. چهره ای که در سال های حضورش کمک بسیاری به این عرصه کرد و می توانست بسیار بیشتر از این حرف ها کمک کننده باشد. تقریبا یک هفته درگیر اخبار ضد و نقیض این عزیز بودم که از بیروت می آمد؛ در نهایت هم مجبور شدم بعد از اخباری که برخی رسانه پیش از فوت او منتشر کردند، با یکی از دوستان بازیگری که در لبنان هستند تماس بگیرم و لایوی را برگزار کنیم که آن خبر را تکنید کنیم. در همان روزها در فضای مجازی هم از



**علیرام نورایی، بازیگر**  
مردم خواستم برای ارشاد دعا کنند و همه دست به دعا برده بودیم اما او در فضایی بود که آن طرف راه برگشت و این دنیا ترجیح داد. من سال ها پیش در سریال ۱۲۵ برای اولین بار ارشاد و تیمش را دیدم و با هم رفیق شدیم. آن روزها ارشاد حال خوبی نداشت و من ساعت ها با او حرف زدم چون این جریان بعد از اتفاق دردناک از دست دادن پیمان ابدی عزیز بود. از آن روز رفاقت ما با هم شروع شد و همیشه حالم در کنارش خوب بود. سر هر کاری که با او همکاری داشتیم، همیشه تعامل فوق العاده ای با هم داشتیم و قبلا هم گفته بودم او همیشه برای من وقت می گذاشت و می گفت علیرام می تواند در گروه بدلکاری خودش کارش را انجام دهد، به همین دلیل حمایت بسیاری از من می کرد تا آن لحظه و اتفاق را خودم جلوی دوربین انجام دهم. این روزها هم واقعا حال و روز خوبی ندارم چون یک برادر، رفیق، انسان شجاع و کاربلد را از دست دادیم. برای او آرزوی آمرزش دارم. ۱

